



۲۰۲۰/۰۸/۲۷

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## دل چلنی!

طنز

پوره چار سال پیش، در محفل، هنگام صحبت آقای «کرزی» تعدادی از اشتراک کنندگان، با شعار، مرگ بر کرزی، اعتراض و صحبتش را اخلاص نمودند، این منظومه طنزگونه بدهاتاً سروده شد که در همان فرصت انتشار یافت و اینک با آراستن و پیراستن مجدد و افزودن یکی دو بیت، مجدداً از نظرتان می گذرد:

آنروز که سردهسته میهن «چینی» شد  
در سایه او مردم مسکین کفنی شد  
امروز به یک پتکی و پیراهن و تنبان  
سرگله این ملت بیچاره «غنی» شد  
در دفتر و دیوان و سرکوچه و بازار  
آرایش اندام، لباس وطنی شد  
از وحدت ملی سخن آمد به میانه  
با دشمنی، کار شدنی، ناشدنی شد  
جمعیتی از گور کنان صدر نشین گشت  
جمع دگری کشته و در گور کنی شد  
دزد و دغلی راهگشای ره ما گشت  
این ملک خراب از ستم چند دنی شد  
القاعده و طالب و داعش بهم آمیخت  
بیگانه ترین آمد و اینجا وطنی شد  
پنهان به گل روی تو دل باخته بودم  
چشم تو فسون کرد، در آخر علفی شد  
درد تو «اسیر» از حد و اندازه برون است  
یک پاره دل افتاد ز دستت، چلنی شد

م. نسیم اسیر ۲۹ سپتمبر ۱۶م، فرانکفورت



برای مطالب بیشتر این نویسنده لطفاً اینجا را کلیک کنید